

دفاع موجه از تراث و یک پیشنهاد

(نقد آراء و رفتارهای جناب آقای سید کمال حیدری)

ابوالقاسم علیدوست

اشاره:

جناب آقای سید کمال حیدری از فضیلتی معاصر قم، انسانی پرکار و مصمم، که دارای شبکه گسترده‌ای از سایت، کانال، موسسه علمی و شاگردان متعدد می‌باشند.

یکی از فعالیت‌های ایشان، همکاری و فعالیت سابق وی در «شبکه الکوثر» بود که معارف شیعی را تبیین و به نقد و هابیت می‌پرداخت.

از چند سال قبل (تقریباً تیر ماه 92 تاکنون) اما، فایل‌های صوتی-تصویری (کلیپ‌های) متعددی از اظهارات ایشان در موضوعات مختلف دینی و فقهی منتشر می‌شود که بیانگر اتخاذ رویکرد و مبنایی جدید در حوزه تفکر و رفتار او است. در واقع ایشان از آن زمان تاکنون وارد فاز و فضایی جدید شده و تاکنون نیز این رویه ادامه داشته است.

از جمله اولین اظهار نظرهایی که بر اساس مبنای جدید، توسط ایشان انجام شده، موردی است که در ماه رمضان سال 1392 از شبکه الکوثر پخش شد. مطابق آنچه از اسناد و مدارک مربوط به آن برنامه در رسانه‌ها وجود دارد، ایشان معتقد است که بسیاری از میراث‌روایی شیعه، از کعب الاحبارها، یهودیان، نصرانی‌ها و مجوسی‌ها به ما رسیده است.

از جمله آخرین اظهار نظرهای ایشان نیز، موردی است که اواخر تیرماه امسال (1399) تحت عنوان «چالش‌های پیش‌روی دین و مدرنیته در مواجهه با ویروس کرونا» به بیان مطالبی پرداخته است.

ویژگی کلیپ‌های جناب آقای سید کمال حیدری

فایل‌های صوتی و تصویری منتشر شده از جناب آقای سید کمال حیدری دارای ویژگی‌های ذیل است:¹

یک. فراگیری و انتشار گسترده کلیپ‌ها: فایل‌ها و کلیپ‌های ایشان در سطح گسترده‌ای در شبکه‌های

اجتماعی داخلی و خارجی، و در طیف‌های مختلفی از این شبکه‌ها، از قبیل شبکه‌های شیعی-سنی، و حتی

شبکه‌های وهابی مانند «شبکه کلمه»، به طور وسیعی در حال انتشار و دست به دست شدن است. همچنین

مخاطبان مختلفی از مردم عوام تا نخبگان حوزوی و دانشگاهی را به سمت خود کشانده است. به عنوان نمونه

بنده از طریق تعدادی از دوستانی که نه حوزوی‌اند و نه دانشگاهی، در مورد این کلیپ‌ها مورد سؤال و پرسش

قرار گرفته و فایل‌ها را برای بنده ارسال کرده‌اند. این نکته بدین معناست که نمی‌توان ادعا کرد این بحث‌ها صرفاً

برای حوزویان اندیشمند مطرح می‌شود و کاری به مردم عادی و کوچه و بازار ندارد!

دو. تنوع موضوعی کلیپ‌ها: ویژگی دیگر این فایل‌ها و کلیپ‌ها، تنوع موضوعی آنهاست. جناب سید کمال

حیدری در هفت سال اخیر به ساحت‌های مختلفی از قبیل فقه، اعتقادات، معارف، اخلاق، مسائل کلان و

بنیادین و حتی مسائل ریز، اما بی‌فائده‌ای، ورود کرده است؛ مسائل ریزی از قبیل اینکه: «آیا ملاقات با امام زمان

در عصر غیبت ممکن است؟» و یا مسائلی از قبیل «مطلب منسوب به شیخ مفید (ره) درباره شیخ صدوق (ره)»

که دارای اهمیتی نبوده و در زمره مسائل مهم و اساسی به شمار نمی‌رود.

سه. ادعای نقد قرائتی موسوم به «قرائت رسمی از دین»: ویژگی سوم که در همه کلیپ‌ها دیده می‌شود

در واقع نقد قرائتی از دین است که ایشان به عنوان «قرائت رسمی» مطرح کرده و مورد نقد قرار می‌دهد.

دلیل ورود بنده به این مسئله

اینکه چرا بنده وارد این مسئله می‌شوم، به دو جهت است:

1. ویژگی که عرض می‌کنم منظور شمارش ویژگی‌های ارزشی نیست، یعنی نمی‌خواهم هنجارشناسانه بحث و ارزیابی کنم.

بلکه مقصود هستی‌شناسانه و بیان واقعیت‌هایی است که وجود دارد.

یک. حجم بالا و بی پاسخ مطالب: هنوز ناگفته‌ها زیاد است. وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که برخی مطالب

هست که جای گفتن دارد و باید بیان شود.

دو. مسئولیت قانونی بنده در این زمینه: بنده مسئولیت کرسی‌های نقد، نوآوری و نظریه‌پردازی را از طرف

شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش علوم نقلی، بر عهده دارم، با توجه به این مسئولیت، بنده لازم می‌بینم

که در این مسئله ورود کنم و پیشنهادی را در همین ارتباط در انتها تقدیم خواهم کرد. با توجه به این دو مورد،

به نظر می‌رسد توجیه کننده ورود بنده در این مسئله باشد.

موافقان و مخالفان جناب آقای سید کمال حیدری

ایشان در سایه رویکرد جدید خود، با غض نظر از کسانی که نسبت به کار، رفتار و شخصیت ایشان بی طرف

بوده و ناظر هستند و یا کسانی که اطلاع ندارند، دو دیدگاه پیرامون ایشان شکل گرفته است: موافقان و مخالفان.

1. موافقان و ادله آنها: عده‌ای حامی ایشان هستند و از ایشان دفاع می‌کنند. برخی معتقدند کار

ایشان درست است. آخرین دفاعیه‌ای که در مورد ایشان منتشر شده مربوط به موسسه علمی فرهنگی

امام جواد(ع) است. در مورخه 99/5/6 دفاعیه‌ای با مضمون ذیل توسط موسسه مزبور منتشر شده

است. بنده اصل متن را ذکر می‌کنم، تا انصاف رعایت شود: «آیت‌الله حیدری به خود دین و تشیع

اشکال وارد نمی‌کند. به باور وی اصل دین، قرآن، پیامبر، اهل بیت به عنوان بهترین گره‌گشا و حل کننده

مشکلات کلان فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی و حتی جامعه بشری بوده، اما این

فهم، برداشت و قرائت نادرست و نامعقول برخی از عالمان دین است که گاهی ناکارآمد و نقدپذیر

می‌باشد. هدف اصلی آیت الله حیدری از طرح بحث مذکور و امثال آن ایجاد سوال در اذهان جامعه

علمی و حتی عموم مردم جهت پویایی افکار و در گرفتن بحث‌های تحلیلی و انتقادی میان موافقان و

مخالفان می‌باشد.»

سپس مطرح می‌کند جامعه‌ای که در آن امکان طرح سؤال و شبهه نباشد، ایستا می‌شود، و ادامه می‌دهد: «حوزه‌های علمیه و عالمان دین بجای مذمتِ طرح اصل سوال، به ارائه پرسش‌های متقن پردازند و از این رهگذر تبیینی معقول و اثربخش از دین در مواجهه با مشکلات جوامع بشری، پیش‌رو نهند. تجربه نشان داده که نمی‌شود با جامعه مقابله کرد و جلوی طرح سوال را گرفت، بلکه باید اجازه طرح سوال، اشکالات و مناقشات را از طرف مردم و حتی خود مؤسسات داد و به ارائه پاسخ‌های مستدل، معقول و بروز پرداخت.»

بنده بیان دیگری نیز در این زمینه از ایشان دیدم که قابل تأمل و تحسین بود، مبنی بر اینکه «ما نگوییم اصلاح دین؛ دین که صالح و مصلح است؛ بلکه باید بگوییم اصلاح نگاه‌های دینی و قرائت‌های دینی.» این حرفی است که یک موسسه طرفدار یا وابسته به ایشان می‌زند. قهراً خود ایشان و شاگردان و مریدانشان نیز، در مقام دفاع، همین مطالب را بیان خواهند کرد.

2. مخالفان و ادله آنها: در مقابل دیدگاه پیشین برخی نیز مخالف ایشان بوده و ردیه‌هایی علیه وی نوشته شده است.

طبق رصدی که در فضای مجازی انجام گرفت، از جمله اولین ردیه‌هایی که علیه ایشان منتشر شد، ردیه‌ای است که در شهریور 1392، از سوی یکی از مراجع آن روز (که اکنون به رحمت خدا رفته است)، در پاسخ به سؤالی راجع به آقای حیدری و کار ایشان، ابراز شده است.

برخی از مخالفان با تعبیری تند و تیز، گاه شخص ایشان، گاه کارهای ایشان و گاه نیز به صورت توأمان هم شخص و هم کارهای ایشان را مورد نقد قرار داده و به چالش کشیده‌اند؛ تعبیری که بعضاً بنده مایل به ذکر آنها نیستم، اما برای رعایت انصاف و اعتدال—چنانکه متن دفاعیه موافقان ذکر شد—ناچار از ذکر آنها هستم.

به عنوان نمونه آیت‌الله میلانی از اساتید حوزه در سال 96، در مقام نقد ایشان می‌گویند: حرف‌هایی که ایشان می‌زند یک شیعه نمی‌زند، و یا حتی یک ناصبی هم نمی‌زند.

همچنین از دی ماه 1396 یک شبکه مجازی که با عنوان «بن بست» علیه ایشان فعالیت و مطالب مختلفی را علیه وی منتشر می کند، تحت عنوان «سرقتهای علمی»² کتابهای ایشان و منابع آنها را مقابله می کند. در اردیبهشت 97 نیز یکی از علمای عراق مطالب تندی را نسبت به منابع مالی ایشان بیان می کند. بعد از تیر ماه امسال (1399) و بعد از اظهار نظر اخیر ایشان در موضوع «چالشهای پیش روی دین و مدرنیته در مواجهه با ویروس کرونا» نیز تعدادی از فضیلاي حوزه و دانشگاه، در پاسخ و نقد ایشان مطالبی را بیان کردند. و بالاخره بعضی ها نیز می گویند: ما کار ایشان را در خدمت دین نمی بینیم. بلکه با توجه به مشکلاتی که دارد آن به ضرر دین می بینیم و لذا با ایشان مخالفت می کنند.

نکته مهم: اینها مطالبی است که منتشر شده و مطمئن باشید اگر برخی از اینها در فضای مجازی منتشر نشده بود، بنده آنها را ذکر نمی کردم، هرچند اصل بحث متوقف بر این هست که برخی از نکاتی که گفته شد، باید ذکر شود.

رویه ما در نقد جناب آقای حیدری

بنده در این مقام، به شخص ایشان کاری نداشته و در مورد شخصیت ایشان هیچ مطلبی بیان نمی کنم. همچنین در مقام نیت خوانی نیز نیستم. بنده در جایگاه خدای متعال ننشسته و قسیم جنت و نار نیستم. نیز در مقام شناسایی مقصر و یا توصیه و نصیحت نیز نیستم، که خود بیش از دیگران محتاج این مهم هستم. لذا موضوع نقد بنده، کار و رفتار مورد بحث ایشان و جریانهایی که نظیر کار ایشان را انجام می دهند است.

نقد آقای حیدری و جریانهای همسو با ایشان

از نظر بنده جریان آقای حیدری و جریانهای همسو با ایشان از سه جهت قابل نقد و مناقشه است: صالح نبودن این جریان ها، نقض غرض نهفته در رفتار این جریان ها، عدم التفات به نتیجه کار و رفتار و زمان پریشی مدعیان این جریان ها. تفصیل مطلب:

2. به جهت اینکه نخواستیم در تعبیر تصرف کنم، این تعبیر را ذکر کردم، وگرنه مایل به ذکر آن نبودم.

1. صالح نبودن این جریانات: از نظر بنده جریانی که آقای حیدری و برخی دیگر، به دنبال آن هستند، جریان صالحی نیست.

ما امروزه با جریانی «سنت‌زدا و تراث‌زدا» مواجه هستیم که تلاش می‌کند پایه‌ها را ویران و -به زعم خود- بر اساس خرابه تراث، بنیانی نوین بسازد. به عنوان مثال جناب آقای عبدالکریم سروش با بیان این ادعا که «کل روایات ما خرافه است و روایات صحیح مثل یک انگشتی است در تلی از زیاله»، به دنبال چه چیزی است؟³ یا وقتی جناب آقای سید کمال حیدری به طور مکرر به فقیهان، متکلمان و قرائت‌های موجود، -که لزوماً هم قرائت رسمی نیستند،⁴ حمله می‌کند، نتیجه آن چیزی جز ویران و نابود کردن تراث نیست. لذاست که از عدم صلاح و صلاحیت این جریانات سخن به میان می‌آوریم.

2. نقض غرض نهفته در رفتار این جریانات: نوع رفتار مدعیان این جریانات خلاف و ضد غرض‌شان است.

غرض این جریانات ایجاد تحول، نوآوری و نظریه‌پردازی است. حال پرسش این است که: آیا این نوع رفتار برای آفرینش تحول، نوآوری و نظریه‌پردازی موفق و نتیجه‌بخش است؟ و آیا این مدل عملکرد به پیشرفت نگاه دینی کمک می‌کند؟ یا اینکه یک «عقبگرد» و یک «نه بزرگ» است؟ بدین معنا که نوع رفتار برای اصلاح نگاه‌های دینی، رفتاری خلاف عقل، تجربه و نقل است!؟

3. عدم التفات به نتیجه کار و رفتار مدعیان این جریانات: یکی از نتایج مهلک و خطرناک این نوع رفتار،

شبهه‌افکنی و ایجاد تشکیک است. جناب آقای حیدری با اذعان به این نتیجه خطرناک، خود نقل می‌کند: «من وقتی که در فقه المرئیه مطالبی راجع به زنان و حجاب مطرح کردم، برخی به من نامه نوشتند که ما در حجابمان دیگر تردید جدی داریم: لقد وصلتی رسائل متعدده تقول: سیدنا هذه الابحاث التي تطرحونها في فقه المرئیه أدی بالبعض ان یشکک فی عقیدته، أدی بعض الاخوات ان ینزعوا حجابهم أدی... أدی...»، و خود ایشان موارد

3. این مطاب را بنده پیش‌تر در کلیپ‌های دیگری مورد نقد قرار داده‌ام.

4. چه اینکه برخی از این قرائت‌ها ممکن است مربوط به یک مداح و یا یک روضه‌خوان و یا یک مبلغ معمولی باشد که در جایی مطرح کرده و یا حتی مربوط به نظر مشهور و فقهی هم باشد، که البته در برخی موارد قابل قبول است.

را برمی‌شمارد. این نتیجه، امری است که لامحاله بر این نوع رفتار مترتب است و اگر متصلبان بخواهند در آن مسیری که ایشان آن مسیر را باطل می‌داند و قرائت - به قول خود- رسمی دین می‌انگارد، تصلب بورزند، ایشان با این رفتارها، بهانه‌ای به دست آنها داده و راه را بر هر نوع نوآوری و نظریه‌پردازی خواهد بست.

4. **زمان‌پریشی و عدم مراعات زمان:** نکته دیگر پیرامون این جریان‌ها، زمان‌پریشی و عدم مراعات و التفات

به زمان و زمانه است. برای تبیین این مهم به دو نمونه ذیل توجه بفرمائید:

الف. داعش؛ ثمره فتاوی‌های فقه‌های شیعه: جناب آقای حیدری در یکی از کلیپ‌های خود - که در زمان حمله

داعش به عراق و فتح موصل منتشر شده است - در مقام آسیب‌شناسی عوامل به وجود آمدن داعش به صحنه آمده و ادعا می‌کند که داعش کذا و کذا و تکفیری‌ها حاصل چه چیزی هستند؟ سپس پاسخ می‌دهد که علت به وجود آمدن داعش و تکفیری - و یا یکی از علل به وجود آمدن آنها- فتاوی‌ای است که برخی از فقه‌های شیعی در کتاب‌های فقهی خود دارند! و سپس با اشاره به «جواهر الکلام» مرحوم نجفی، بحث مربوط به جواز غیبت، سب و لعن اهل تسنن را مطرح می‌کند.

ارزیابی این ادعا: گفتنی است: اینجانب مدافع حرف صاحب جواهر در این موضوع نیستم و در درس

خارج فقه، در بحث غیبت، این دیدگاه را نپذیرفته‌ام، اما می‌خواهم عرض کنم این حرکت جناب آقای حیدری مبتلا به زمان‌پریشی است. اینکه دلیل به وجود آمدن و حمله داعش، برخی فتاوی‌های فقهی شیعی انگاشته شود و فقه‌های معظم شیعی متهم و مقصر شناخته شوند، بدون اینکه زمانه و زمینه صدور آن فتاوا تبیین شود، نوعی زمان‌پریشی و عدم توجه به زمان و زمینه صدور فتواست، که منجر به قضاوت غلط و ناصحیح می‌شود؛ چنانکه جناب آقای حیدری در این اظهارنظر خود درباره فتاوی‌های صاحب جواهر مبتلای به این بلیه شده است.

زمانه و زمینه صدور فتاوی‌های صاحب جواهر: جهت اطلاع عرض می‌کنم جناب صاحب جواهر (ره) در سال

1226 نگارش جواهر را شروع می‌کند و حدود 30 سال بعد، در سال 1257- و 10 سال قبل از وفات ایشان

نگارش آن به پایان می‌رسد.

در مقطع زمانی قریب به شروع نگارش جواهر الکلام، وهابیون حدود 10 مرتبه به عراق حمله داشته‌اند. وهابیون در سال 1216 حمله‌های خود را شروع کردند و پس از ورود به کربلا، با شعار «اقتلوا المشرکین و اذبحوا الکافرین»، پنج هزار نفر از شیعیان و اهل کربلا را قتل عام کرده، وارد ضریح مطهر امام حسین (ع) می‌شوند و آن را غارت و داخل و اطراف حرم را مملو از کتافات و قازورات می‌کنند!

این فرقه انحرافی، مجدداً در سال‌های 1220، 1222، 1225 و... حمله‌های دیگری به عراق می‌کنند، که در برخی از حمله موفق و در برخی شکست می‌خورند. آخرین حمله آنها – تا جایی که بنده ملاحظه کردم- در سال 1225 اتفاق افتاده و نگارش جواهر الکلام نیز در سال 1226 شروع شده است.

این نکته نیز قابل توجه است که در آن زمان تفکیک عموم اهل تسنن از وهابیت -آنگونه که در زمان ما مرسوم است و بین آنها مرزبندی وجود دارد- مشخص نبوده و کل اهل تسنن به سنیت مکه و مدینه شناخته می‌شدند؛ لذا هر کاری که اهل تسنن مکه و مدینه انجام می‌دادند، به حساب کل اهل تسنن گذاشته می‌شد و تفکیکی بین عموم اهل تسنن و فرقه انحرافی وهابیت وجود نداشت.

فتوای مورد بحث صاحب جواهر در چنین زمینه و زمانه‌ای صادر شده است (که بنده در عین حال از آن فتوا دفاع نمی‌کنم).

جناب آقای حیدری باید توجه داشته باشند، وقتی متن جواهر –آن هم با غلظت- برای مخاطب خوانده می‌شود، باید زمانه و زمینه صدور هم برای مخاطب تبیین شود.

اینکه اشکال شود که چرا صاحب جواهر تفکیک نکرده، چنانکه گذشت، اشکالی بی‌مبناست، چون در آن زمان تفکیک بین اهل تسنن غیر وهابی و وهابیون مرسوم نبود.

ادعای تاثیرپذیری فقیه از زمان و فضای حاکم، البته تا حدی پذیرفتنی و طبیعی است، و لذا اگر آن زمان و فضا در نظر گرفته شود، معلوم نیست که اشکالات شما وارد باشد.

جناب آقای حیدری! شما از کدام «فقیه نامی» سراغ دارید که فتوایی بر قتل اهل تسنن داده باشد؟ اینکه کسی در گوشه‌ای چیزی گفته باشد، محل بحث نیست، گرچه چنین موردی را نیز بنده سراغ ندارم.

امروزه چه کسی عراق را حفظ کرده تا حمام خون راه نیفتد؟ یکی از آقایان عربستان می فرمود اگر آیت‌الله سیستانی (حفظه‌الله) مانند بزرگان ما می‌اندیشید، اکنون باید در عراق حمام خون راه می‌افتاد!

این نوع بحث کردن مبتلا به زمان‌پریشی و عدم مراعات زمان است.

ب. توهین شیخ مفید(ره) به شیخ صدوق(ره): جناب آقای حیدری در کلبی دیگری که در سال 98 منتشر شده، کتابی را به مخاطبان نشان داده و ادعا می‌کند که شیخ مفید در این کتاب به شیخ صدوق توهین کرده و «او را دیوانه‌ای خوانده که اهل هوا و هوس است و تکلیف از او ساقط!!»!

ایشان سپس از مخاطبان خود می‌خواهد که در این باره قضاوت کنند و خود در مقام داوری می‌گوید: «یا شیخ مفید خلاف می‌گوید و اینگونه بزرگی مانند شیخ صدوق را متهم به دیوانگی و هوا و هوس می‌کند و یا اینکه شیخ مفید درست می‌گوید و شیخ صدوق حقیقتاً دیوانه و اهل هوا و هوس است!» و بعد نتیجه می‌گیرد که: «اگر شیخ مفید خلاف واقع حرف می‌زند، در این صورت او چه صلاحیتی دارد؟ و اگر راست می‌گوید و صدوق اینگونه است، چگونه شما دین‌تان را از روایات و کتب شیخ صدوق می‌گیرید؟»!

ارزیابی این ادعا: در ارزیابی این کار آقای حیدری گفتنی است: کتابی که ایشان به آن استناد می‌کند، کتاب «النکت الاعتقادیه» منسوب به شیخ مفید است، و این در حالی است که اساس این انتساب صدها سال مورد تشکیک بزرگان و اهل تحقیق بوده است. به عنوان نمونه شیخ علی نواده شهید ثانی(ره) در انتساب این کتاب به شیخ به طور جد تشکیک نموده است. همچنین ویژه‌دانی قدر در عرصه کتاب‌شناسی مانند حاج آقا بزرگ تهرانی - که بر قله شناخت کتاب و مولف ایستاده- تشکیک شیخ علی را صحیح دانسته است. چنانکه مرحوم نجاشی نیز در مقام شمارش و حصر کتاب‌های شیخ مفید نامی از این کتاب به میان نیاورده است. خود مرحوم

شیخ مفید نیز هنگام شمارش کتاب‌هایش، اساساً از این کتاب نام نبرده است. برخی از معاصران اهل فن نیز در این انتساب تشکیک کرده‌اند.

دیگر اینکه رصد موارد یادکرد شیخ صدوق در آثار شیخ مفید، بیانگر رعایت احترام و ادب ویژه شیخ مفید برای مرحوم شیخ صدوق (ره) است.

جناب آقای حیدری! طبیعی است در مقام بیان مطلب و انتساب کتاب به یک شخصیت، باید این نکات نیز گفته شود. آیا اینکه این کتاب به نام شیخ مفید منتشر شده، می‌تواند دلیل محکمی بر انتساب کتاب به فرد باشد؟ چه فراوان کتبی که بنام برخی افراد چاپ می‌شود، اما انتساب کتاب به آن افراد معلوم نیست! به عنوان نمونه، مگر «کتاب اشعثیات» که منسوب به «ابن اشعث» است، مشکوک نیست؟! اینها نمونه‌های کاری و رفتاری جناب آقای سید کمال حیدری است.

شرائط و ادب نوآوری و اصلاح نگاه‌های دینی

آنچه گذشت، نمونه‌هایی از کار و رفتار جناب آقای سید کمال حیدری بود. چنین رویه رفتاری و کاری، نیازمند این تذکر قرآنی است که «وَلَاتَقْفُوا مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: 36)

جناب آقای حیدری! نوآوری و اصلاح نگاه‌های دینی، ادب و شرائط دارد:

- 1. احترام به گذشتگان؛ حفظ و تکیه بر تراث:** احترام به تراث گذشتگان و تکیه بر آن. این گونه نیست که تراث گذشتگان، همه خرافه و غلط باشد؛ باید ارزش و احترام آنها را پررنگ کرد و متذکر شد.
- 2. رعایت هنجارهای علم:** هر علمی و هر پدیده‌ای هنجار خودش را دارد که باید رعایت شود..
- 3. صداقت و پرهیز از راست ناقص و عدم شفافیت:** قرائت ابتر و ناقص مطالب، بدون تبیین و تحلیل درست آنها به نوعی خیانت به شمار می‌رود..

4. **پرهیز از زمان‌پریشی:** در مقام پژوهش و ارزیابی آراء و اندیشه‌ها، باید زمان و مکان در نظر گرفته شود و

اقتضائات زمانی و مکانی هر مطلب و هر نویسنده‌ای لحاظ شود.

5. **طرح بحث در جوامع علمی:** نمی‌توان هر بحثی را در هر جمعی و مکانی مطرح کرد. هر بحثی مخاطب

خاص خود را دارد. مباحث عمیق علمی باید در جمع متخصصین و ویژه‌دانان آن بحث مطرح شود، نه در جمع‌های عادی و در فضایی که در دسترس عموم قرار می‌گیرد.

طرح بحث در جمع‌های غیر تخصصی، پدیده عام البلوا و همه‌گیری است که متوجه برخی از دیگر از سخنرانان در داخل و خارج کشور نیز می‌باشد. بحث عمیق فقهی باید در جمع فقه‌پژوهان و ویژه‌دانان فقهی مطرح شود، نه در جمع عمومی و یا حتی جمع‌های دانشجویی. حقیقت آن است که همانگونه که امثال ما نسبت به بحث‌های فیزیک و شیمی و... عوام و ناویژه‌دان هستیم، همین طور دانشجویان و متخصصین رشته‌های دیگر نیز در زمینه‌های مسائل فقهی و اجتهادی عوام به شمار می‌روند و باید از طرح مباحث عمیق فقهی و اجتهادی در جمع ایشان، به دلیل نیازمندی فهم این نوع مطالب به دقت و تخصص، خودداری کرد.

موارد فوق‌الذکر درباره فتوای صاحب جواهر و نیز کتاب النکت الاعتقادیه، آیا یک بحث صرفاً عقلی است

که بتوان با تمعق عقلی آن را دریافت و لذا اقدام به طرح آن در جمع‌های غیر تخصصی و دانشجویی کرد؟ آیا طرح این مباحث در منظر عموم که اطلاع درستی از جوانب مسئله ندارند، کاری صحیح است؟!

جالب این است وقتی گفته می‌شود این مطالب منجر به انحراف برخی از افراد می‌شود، جناب آقای حیدری

پاسخ می‌دهند: «هذه ابحاث علمیه تخصصیه و لیس فتوا فقهیه ولا فتاوا عقائديه؛ اینها بحث‌های علمی

است، نه فتاوا فقهی و اعتقادی!»⁵ و ادامه می‌دهد: «حتی تعملون علیها و ترتبون علیها آثارها هذه دروس

للمختصین. هذه بحوث تسمى بحث الخارج فی الحوزات العلمیه؛ اینها بحث‌های تخصصی است برای

متخصصان!».

5. بر خلاف این ادعا، ایشان بارها در همین زمینه‌ها گفته است: «افتی؛ فتوا می‌دهم!»

جناب آقای حیدری! آیا کلیپ‌های شما فقط برای اهل درس خارج منتشر می‌شود و فقط به دست اینها می‌رسد؟! یا چنانکه شاهدیم در دسترس عموم و عوام قرار دارد و در حال انتشار در شبکه‌های اجتماعی داخلی و خارجی و خودی و غیر خودی است؟!

پیشنهاد رویه صحیح ارائه بحث

جناب آقای حیدری! شاید حضرتعالی بنده را بشناسید. بنده از جمله کسانی هستم که مورد هجمه برخی از سنتی‌ها هستم. کتاب‌های «فقه و عقل»، «فقه و عرف»، «فقه و مصلحت»، «روش‌شناسی اجتهاد»، «فقه و حقوق قراردادها» و.. مملو از مطالب جدید و قابل بحث و گفتگو است، اما براساس حفظ هنجارها و انضباط هر علمی بر اساس خودش به نگارش درآمده‌اند.

همزمان که حضرتعالی بحث «فقه المرأة» را ارائه می‌کردید، بنده نیز مبحث «جواز تصدی پست‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی توسط زنان» را داشتم. بنده هم در این مسئله به جواز رسیدم و معتقدم زن می‌تواند قبول منصب کند و تمام ادله مخالفین - آنچه مطرح شده- را پاسخ داده، و ادله خودم را ارائه کرده‌ام. این مهم را به صورت عمومی اعلام می‌کنم و متن و صوت درس در سایت بنده موجود است. نمی‌خواهم -خدای ناکرده- ادعایی داشته باشم. مقصود این است که کسی نگوید در حوزه امکان طرح بحث و نظر نو وجود ندارد و جلوی این‌گونه بحث‌ها گرفته می‌شود. هیچ‌کس نمی‌تواند بنده را متهم به ایستایی، و مخالفت با نوآوری و نظریه‌پردازی بکند. غرض پیشنهاد شیوه‌ای است که عوارض جانبی ندارد و در ضمن زمینه پیشرفت بحث را نیز فراهم می‌کند.

پیشنهاد ارائه بحث در کرسی‌های نظریه‌پردازی

بنده به عنوان مسئول کرسی‌های علوم نقلی، از جناب آقای حیدری تقاضا و دعوت می‌کنم که با حضور خود یا یکی از مطلعان کامل به نظر ایشان در کرسی‌های نظریه‌پردازی، به ارائه بحث و نظر در جمع متخصصین بپردازند و هم اکنون این وعده را می‌دهم که زمینه حضور و ارائه بحث‌شان در کرسی‌های نظریه‌پردازی را فراهم

کنم. نظریه پردازان با حضور در کرسی‌های نظریه‌پردازی، آراء و نظریات خود را به محک نقد و نظر و ارزیابی می‌نهند و در جمع‌های تخصصی، به تبیین و اثبات نظریه خود می‌پردازند. تاکنون حدود 40 مورد کرسی نظریه‌پردازی در این کرسی‌ها برگزار شده است.

بنده حاضرم امکانات و نفراتی در اختیار شما بگذارم تا بتوانید نظریه خود را در قالبی مکتوب یا شفاهی تنظیم نموده و در جلسه یا جلساتی به ارائه آن بپردازید. ارائه شما در جمع ناقدان و داورانی - که با مشورت با خود حضرتعالی تعیین خواهند شد- انجام خواهد شد و تمام جلسه نیز به صورت صوتی و تصویری ضبط خواهد شد تا در نهایت با صلاحدید حضرتعالی منتشر شود..

این وعده علاوه بر جناب آقای حیدری، به محترمی که در خارج از کشور هستند نیز داده می‌شود که خودشان و یا کسی - که مورد اعتماد و اطمینان خودشان هستند- را معرفی کنند تا در این کرسی‌ها نظریات آنها طرح و تبیین و نقد شود.⁶

این نوع طرح بحث و مواجهه علمی مصداق بارز فرمایش امیر حکمت و بیان(ع) است که فرمودند: «**إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بَبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ**؛ آراء را به هم بزنید و رای ثواب را از آن دریابید».

نکته آخر:

به عنوان آخرین نکته عرض می‌شود: بنده به هیچ وجه از همه آراء و افکار موجود و مطرح دفاع نمی‌کنم و معتقدم همه آراء و افکار فقهی - گذشته از حرف فلان مداح و فلان طلبه و فلان مبلغ- قابل بررسی و نقد است. متأسفانه امروزه، شاید به خاطر حرکات همین آقایان، جریان‌هایی مانند آنچه مورد اشاره و نقد قرار گرفت، فعال شده‌اند. حقیقت آن است که حرف و عمل این عده قلیل، اساساً قرائت رسمی دین تلقی نمی‌شود تا مورد نقد قرار گیرد، قرائت رسمی دین را باید از عالمان دین جست و طلب کرد.

⁶ تلفن تماس برای برگزاری کرسی : 09191257988

برادران و خوهران! جوانان و نوجوانان عزیز! ما توسط ائمه اهل بیت (ع) دعوت شده ایم که در عصر غیبت برای اخذ معالم و معارف دینی به علما مراجعه کنیم.

به عنوان نمونه امام حسن عسکری (ع) به شعیان فرمودند برای کسب معارف و احکام دینی، به فقیهانی رجوع کنید که هم علماً هم نفساً سالم اند: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ».

حضرت ولی عصر (عج) نیز ما را به سوی علما و فقها رهنمون شده اند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ».

امیدواریم خداوند بزرگ به ما توفیق اطاعت و بندگی عنایت کند و ما را از خدمتگزاران دینش قرار دهد.

الحمد لله رب العالمين